

## سامان خودات

فکر می‌گردد یکی از اصول اساسی در جهت درک و تفکیک حل مسائل مربوط به ظهور، و فعالیت سامان خودات، همانامسله مربوط به نام شناسی و تثبیت درست ترکیب و اشتقاق نام اوست، زیرا؛ نام سامان خودات با اسم قریه ای در نواحی بلخ و یا ترمیز که خود انرا تاسیس نموده است ارتباط داده میشود. اما در افسانه های متعلق به سامانیان به واژه سامان چنین معنی قایل شده اند:

"زیبائی، بهبودی، شگوفائی..."

"نظم، ترتیب".

در منبع دیگری بمعنی:

• "تنظم شده، ترتیب شده، راه افتاده".

• "رفاه، آسایش، آبادانی"

• "ثروت، دارائی" آمده است.

اما در زبان پهلوی کلمه سامان به معنی "مرز"، "سرحد" "خط فاصل"، "نواحی، منطقه" هکذا من حیث نام شخصی سامان و یا افرادی که در حوالی Harahvatiš میزیستند استعمال شده است.

[Семенов 1955: 4]. [Перс.-рус. словарь, т. 2, с. 13].

[Anthologie: 424; Dencard: 160, 164; Dadastan i Denig: 244, 281].

[Dencard: 24, 160; Dadastan i Denig: 107] [Herzfeld 1947 II: 708].

در بعضی از منابع گفته شده است که سلاله بوئیدها (آل بویه) های ایران نیز برخاسته از شخصی به اسم سامان و متعلق به سلاله بهرام V گور از سلسله ساسانیان اند.

ازجانبی، منشاء نام سامان خودات با کلمه چغتائی سامان که به معنی "کاه" افاده می‌گردد مرتبط پنداشته میشود. بنابر تاکیدات منابع آرخیلوژیکی در حوالی باختر و تخارستان، بلخ و ترمیز وغیره مناطق خراسان و ماورالنهر از ادوار قدیم تا کنون از کاه بر علاوه اینکه من حیث موادغذائی حیوانات استفاده می‌گردید، در امورات ساختمانی

و آبادانی که ترکان کوچی آسیای میانه انتقال دهندگان اساسی آن شمرده میشدند استفاده گردیده است.

[Бируни 1957: 51]. [Ковзгарий I: 392; Kašgarli: 348].

[Массон 1971: 9; Аскарлов 1977: 116 – 117]. [Хидоятлов 2004: 23].

توجه باید داشت که در میان ترکهای آسیای میانه تا این اواخر ها کلمه "سامانچی" مستعمل بود. (73)

در حالیکه در زمان تیموریها یکی از بیک های بلخ بنام "تنگری بیردی سامانچی" نامیده میشد. هکذا، قریه ای در ناحیه فرخار ولایت کولاب تاجکستان کنونی بنام "سامانچی" نامیده شده است. در فرهنگ اصطلاحات ترکهای قرون وسطی کلمه سامانی به معنی "خیرات طلبی، التماس" "نادار، بی بضاعت" نیز استعمال گردیده است. اما، بنظر ما مفهوم اتیمولوژیکی (ریشه شناسی) کلمه سامان به مفهوم "کاه" با حقایق عینی سازگار نمی نماید. فکر میگردد دلائل فوق الذکر بمنظور تثبیت منشا اصلی و حقیقی این و یا ان شخص، این و یا گروه اتنیکی، باهمچو لغات یابیها مکفی شمرده نشده فاقد اساسات علمی و تثبیتی اند که به منظور تدقیق و ریشه یابی آن تلاش بیشتری محسوس مییاشد.

[Бабур-наме: 576, 1756]. [Камалиддинов 1996: 188]. [Ibnü-Mühenna: 104].

بمنظور مرتبط سازی نام سامان با واژه Šaman (شامان، جادوگر) نیز تلاشهای صورت گرفته است. لازم به تذکر است که، شامانیزم گرچه یکی از اجزا متشکله معنویات ترکان قدیم شمرده میشد، اما، خود پدیده شامان در میان ترکها منحیث عامل بیگانه محسوب میشد. از جانبی واژه šmn (šaman) شمن درمتون سغدی به معنی "روحانی"، "شامان" آمده است.

[Günaltay 1938: 77, 78]. [Gharib 1995: 224].

در زبان ترکی بمنظور درک مفهوم شمن یا شامان واژه Xam، qam و یا kam، هکذا adanliyi "سحرکننده، طلسم گر، طلسم کننده" استعمال گردیده است. از جانبی منشاء کلمات qam/γam/sam/šam که در اکثریت توپونیمها (نام

محل، محل شناسی) بمشاهده میرسد با اتنونیم ( نام گروه ها، قبایل، گروه اتنیکی  
و غیره) ترکان قدیم پیوند داده میشود.

[ДТС: 413; King's Dictionary: 306], [Боровков 1963: 346]

[Ibnü- Mühenpa: 36; Радлов II: 476, 491], [Радлов I: 463].

[Насиуева 2008: 126 – 127].

در میان اهالی اورال- آلتای آسیای میانه و هکذا مناطق اورال و سایبیریا اتنونیمهای  
(نام گروههای اتنیکی، منطق، اهالی و غیره) سامان، شامان، سامای، سمر و غیره به  
وفرت بمشاهده میرسد، جائیکه پیدایش آنها به مناطق جنوبی ارتباط داده میشود  
برهانست های آلتای از ظهور و پیدایش " آدم های سفید پوش " ، آدمهائیکه دعوت  
کننده مردم به وحدانیت خداوند بود خبر داده اند.

[Василевич 1965: 139 – 145]. [Зуев, 2002, с. 186].

در تفاسیر شاعر فارسی زبان قرن یازدهم کلمه شامان بمعنی "مشرکین  
هندوستان، هندوستان بت پرست" گفته شده است. اما، بنا به گفته الخوارزمی  
شامانها خدمتگاران (به مفهوم دیگری وزراء) اصنام یعنی بتها بودند. اما در تفاسیر  
لغاتنامه های فارسی قدیم واژه šaman شامان بمعنی بت پرست آمده است.

[Джумаев 2002: 70 – 71]. [al-Khowarezmī: 175]. [Баевский 1984: 221].

بیرونی در آثارش از گروه مذهبی "الشامانیه" آسیای میانه که معتقدین آئین بت  
پرستی بوده، اما همزمان با ان نفرت فراوانی علیه برهمنان داشت یادآوری مینماید.  
به همین ترتیب اهالی خراسان بودائی هارا شامانی یا شامانان مینامیدند. در  
حالیکه ابن ندیم بودائی هارا "السامانیه" نامیده است

[Бируни, 1963, с. 66 – 67]. [al-Biruni, p. 206; Бируни, 1957, с. 204].

[Ibn an-Nadim, p. 345; Flugel, 1862, p. 76, 105, 385].

در افسانه های هندی واژه شامانه šamana بمعنی "حکمدار، زمامدار" و یکی از  
اسماء خدا Yima گفته شده است.

اما در عنعنه بودائی šramana بمعنی "کسیکه تلاش میکند، شخص پر حرکت"

ترجمه شده و در فهرست رتبوی (مقام) حایز مقام ثانی میباشد. لذا ممکن است کلمه شامان از همین واژه نشئات نموده باشد. هکذا گفته میشود که این اصطلاح از واژه *šamana* (šramana) زبان پراکریتیک یا سانسکریت مشتق و بمفهوم پیرو بودیسم استعمال شده است.

[Louis, 1977, vol. 8, p. 41, 344]. [Golden 1998: 231; Шунова 1976: 410].

در ادوار قدیم و قرون وسطائی مناسبات عمیق کلتوری میان ترکان و هندوان وجود داشته است، که مسلماً هندشمالی مرکز تلاقی آن بود. لذا میتوان گفت که تاثیر مناسبات مذکور هم بالای فرآورده های افسانوی و هم بالای مسائل عقیدتی منجمله شامانیزم و بودیزم موثر بوده است.

[Рашид ад-дин 1987: 18 – 19].

علاوه باید نمود که اسم سامان در ادبیات مذهبی زردشتیان یکجا با اسما شیاطین و افراد خبیثی مانند اکاتاش، اکامان، ارستی، وارن، نانهایس، سابوک، تاورچ، هیون، و زریچ (Akataš), (Akoman), (Arastay), (Waran), (Nanhais), (Sabuk), (Zareč) (Hyon) یکی شمرده شده و با اسما آنها یکجا نامبرده شده است.

به عقیده زردشتیان خدایان و روحانیون بودائی میتوانند در لباس "شیاطین" تبارز نمایند، بنا در ترکیب آنها میتوان واژه و اتونیمهای ترکی از قبیل آوار، کومن، تاش، تاش، تور و هیون وغیره را مشاهده نمود.

اما واژه سامان (Sahman) در زبان پهلوی از زبان سانسکریت مشتق گردیده و به معنی "غمخوار، مراقب، و توجه کننده" استعمال گردیده است.

[Anthologie: 395, 414, 430; Dencard: 24, 160; Dadastan i Denig: 107].

[Dehkhoda VIII: 11769].

در میحث موجود معلومات در باره اجداد سامان خودات که از جمله نوادگان بهرام چوبین محسوب میگردد مورد دلچسپی است، دودمانیکه در نتیجه وصلت با دختر خاقان ترک، بدنیا آمد.

معلوماتی وجود دارد مبنی بر اینکه در قرن ششم، قلمرو بخارابه یانگ ساوخ تیگین Yang savuh-tegin (احتمالا یانگ شاخ تیگین) پسر تردو خاقان حکمدار عالی ترک (ایل ارسلان، شیر کشور، ساوا شاه) "ترک زاده" تعلق داشته است، خاقانی که از طرف مادری از جمله اقارب خورمزاد IV شهنشاه ساسانی شمرده میشود. لازم به یادآوریست که این شخص پایتخت (مقر فرمانروائی) خود را شهر بایکند انتخاب نموده، مدت 20 سال فرمان راند. وی طی این مدت به آبادانی و ساختمانی قلمرو اش همت گماشت شهر و شهرستان هائی از قبیل شهرستان و بخارا، بنا نهاد، در اطراف واکناف بخارا قراء و قصباتی از قبیل مامستین، ساکمتین، سامتین، فاراب و غیره تاسیس نمود.

[Bel'amī II: 248; 265; Firdousī VI: 656 – 657; Бичурин I: 279]. [Наршахий: 17].

علاوه باید نمود که ایل ارسلان (شیر کشور) خاقان بخارا در منابع عربی بنام، شبه، در منابع فارسی بنام ساوا شاه، و یا (šawa) مسمی بوده است. اما، القاب (šawa) بمتابه یکی از القاب باختری شمرده شده و به مفهوم "مالک، صاحب" استعمال گردیده است.

[Ibn Khordadbeh: 40], [Firdousī VI: 656 – 658; Гумилев 1967: 115, 132].

[Frye 1956: 122; Harmatta, Litvinsky 1996: 371].

در اواسط قرن، در ناحیه نسف از موجودیت شهری بنام Naukad Sava ناوكد ساوا یادآوری شده است که مسلما از موجودیت پیوندی میان نام شهر متذکره با نام همان ساوا شاه اشاره دارد.

[ан- Насафи 6284: 59V; al-Sam'ani: 571R],

از معلومات فوق برمی آید که شیرکشور تنها به تاسیس قرائی در سرزمین بخارا بسنده نکرده، بلکه شهری را در سغد جنوبی بنام نخشابه (که در زبان عربی بنام نسف نامیده میشود) بنیانگذاری و اعمار نموده است. در قسمت جنوب شرقی **فارابرا** در ارتفاعات **کیز-کیر** از موجودیت برج نگهبانی (برج پهره داری) تحت نام **دنگ ارسلان خان** سخن رانده شده است. بر مبنی گواهی اریخو لوژیکی (باستان

شناسی) برج مذکور یکی از کهن ترین یادگار های نگهداری شده در اطراف فارابرا پنداشته میشود.

اگر پنداریم که شهر فارابرا توسط ایل ارسلان تاسیس شده باشد، در آنصورت میتوان گفت که برج مذکور در اواخر قرن ششم و شروع قرن هفتم یعنی زمانیکه منطقه توسط ایل تیگین(پرمودا) اداره میگردد( موصوف تاسال 603 در آن دیار حکمروائی داشت) بنا نهاده شده است.(74)

علاوه باید نمود که وی برعلاوه آنچه گفته شد، قرائت متعددی منجمله ایسکیجکت، شرگ، فرخشه، و رامتین(رامیتان کنونی) و غیره را نیز بنا نهاده است.

[*Массон 1966: 167*]. [*Наршахий: 17*], [*Камалиддинов 1996: 85*].

[*Гумилев 1967: 132*],

از جانب دیگر موصوف با ملکه چینی ازدواج نمود، ملکه ایکه آبدۀ بودائی را از کشور چین باخود انتقال و انرا در رامیتان جابجا ساخت. توضیح باید دادکه رامیتان یکی از قراء متعلق به بخارا بود که، مالکان بخارا دران مسکن گزین گردیده، بعد از اعمار اماکن مربوطه دربخارا بدانحانقل مکان مینمودند. بنابراین علت رامیتان در بعضی از منابع منحیث "بخارا" قلمداد گردیده است .

[*Наршахий: 17*]. [*Наршахий: 23*].

از توضیحات فوق برمی آیدکه ایل تیگین(پرمودا) دقیقا پیرو مذهب بودائی بوده و مشخصا موجب گسترش مذهب بودیزم در قلمرو بخارا گردیده است.(75)  
بنا ممکن است روی همین علت نام دوم ایل تیگین یعنی پرمودا از القاب بودائی pramukha گرفته شده باشد. لازم به یاداوراست که ایل تیگین درسال 588 منحیث حکمران تخارستان و گندهارا تعیین گردید، سرزمینی که جدیدا در ترکیب دولت خاقانات ترک شامل گردیده بود.

[*Ставиский 1960: 115*]. [*Harmatta, Litvinsky 1996: 371*].

[*Chavannes 1903: 157*].

او.کان U-kun آسیاح چینائی طی سالهای 759- 764 آبدۀ هائی را در شهرهای

کشمیر و گندهارا دیده است که در قرون ششم و هفتم توسط حکمرانان ترک تبار و خانواده های شان بنا گردیده بود.

در عین زمان در کشمیر از موجودیت آبدۀ ای بنام "خاتون" ، و آبدۀ ای متعلق به Ve-li-te-le یا Ve-li-te-le یا ایل تیگین پسر خاقان ترک سخن رانده شده و در گندهارا از آبدۀ ای بنام تیگینچه Tegin-cha که توسط خاتون "همسر حکمدار ترک" بنا نهاده شده بود یاد آوری شده است. معلوماتی و جود دارد که حتی در قرن یازدهم در قسمت های شمالی و شمالشرقی کشمیر ترکان بودائی میزیستند.

[Chavannes 1903: 198, 242 – 245; Литвинский, Зеймаль 1971: 120].

[Бируни 1963: 202 – 203].

گفته شده است که تون یابگو خاقان نیز از جمله پیروان سرسخت مذهب بودائی بوده است. در ضمن علاوه گردیده است که دقیقاً همین خاقان سیوان سیزان سیاح چینائی را در سال 630 به گرمی استقبال و آنرا به حضور پذیرفت.

به قول او پسر سر یابگو کاگان ( به چینی سی یاخو کخان Sy-Jehu Kazan طی سالهای 632 و یا 633 کوشید تا معبد نوبهار) آتشکده بلخ را اشغال نماید، اما وی خواب دید که خدای Vaiśravaṇa deva منحیث پاسبان معبد متذکره اورا از انجام این کار منع مینماید، که بالا تر آن وی ازین کار پشیمان گردید و اظهار ندامت نمود.

[Beal 1990: 42 – 44]. [Ekrem 2003: 149].

بنا به قول الخوارزمی، کلمه "البخار" به معنی "خانه بتان" هندوان اما، به قول جوینی کلمه "بخار" در زبان مغلی بمعنی "مجمع العلوم" یعنی مرکز علوم آمده است، در حالیکه، در زبان "بت پرستان" اویغوری و چینی بمعنی جایگاه بتان گفته شده است. اما محمود الکاشغری آنرا جایگاه آبدۀ بت پرستان "بخارا" نامیده است.

[al-Khowarezmī: 34]. [Бартольд 1963: 214]. [Ковзгарий III: 164].

علاوه باید نمود که در حوالی سالهای 590 سیان شی ملکه چینائی متعلق به خانواده ژو (چو) ، توطعه ای را علیه امپراطور آنکشور از سلسله سوئی تدارک دید و بمنظور کسب حمایت ترکان، اتحادی را با نیلی خان حکمران ترک تبار بخارا بست.

احتمالا درهمین مقطع زمانی مسله عقد نکاح ملکه چینی با حکمدار ترک ورود آن به رامیتان، واعمار آبدۀ بودائی در آن شهر حل و فصل گردیده باشد!

[Бичурин I: 240; Гумилев 1967: 136].

لازم به یاد آورست که در نتیجه وصلت متذکره (با ملکه چینی) پسری بنام دامان، دمن (تامن) بدنیا آمد. اما نیلی خان بعد از اندکی وفات یافت و برادرش پاشی دیلی (تیگین) ملکه را به عقد نکاح خود در آورد. در سال های 600 پاشی دیلی یکجا با سیان شی (خانمش) به دربار امپراطور چین مراجعه و در آنجا منحیت گروگان (اسیر) نگهداشته شدند. اشاره باید نمود که ملکه سیان شی بعد از این واقعه موفق به بازگشت به بخارا نگردید و تا آخر عمر در آنجا باقیماند. اما بعد از وفات نیلیخان پسرش دامان (تامن) (پسریکه از ملکه چینی بدنیا آمده بود) با القاب Nigyu Chulo-khan به تخت سلطنتی جلوس نمود. در سال 614 چولوخان با ملکه چینی بنام سین-ای Hsin-ai ازدواج و منحیت نظامی در خدمت امپراطور چین قرار گرفت، اما وی در سال 618 در جنگ علیه ترکان شرقی بقتل رسید.

[Бичурин I: 279 – 283].

بناء محتمل است که نام "بخارا" در ابتدا با نام همین آبدۀ بودائی رامیتان بعدها با نام بخارا و بعدا با پایتخت جدید آن پیوند داده شده باشد. بنا بر یادداشتهای محققین، بهرام چوبین بعد از فرار از ایران دقیقا با دختر ایل تیگین (پرمودا) ازدواج نمود. در نتیجه همین وصلت سلسله خانوادگی چوبین تشکیل یافت که سامان خودات از زمره آن شمرده میشود.

در قرون ششم و هفتم در واحه بخارا، تنگه های مسی ساخت چین (ضرب زده شده در چین) با تمغه های چهارکنج در چلندبود، تنگه هائیکه بیانگر چهارراهی های چین قدیم بوده و با کتیبه های βγγυ γ'γ'ν pny بمعنی "پول اسقف خاقان" تزئین یافته بود. تصور ی وجود دارد مبنی بر اینکه ضرب و نشر تنگه های متذکره توسط خاقان ترکی بخارا یعنی ایل ارسلان و پسرش ایل تیگین صورت گرفته باشد

[Смирнова 1981: 59].



گفته شده است که قسمت اعظم باشندگان سغد قرون وسطائی از جریانی به اصطلاح "مزدی ایزم" یعنی تنوع زردشتی پیروی مینمودند. درحالیکه درینجا عقاید ومذاهب دیگری منجمله مذهب بودائی نیز وجود داشت. علاوه باید نمود که بودیزم اعتبار از زمان کوشانیها منحیث مذهب فراخ و همه گیرمنطقه شمرده میشد بنا مذهب مذکور نه تنها در سغد بل در اکثر ولایات همجواری آن از قبیل مرو، فرغانه، سیمیریچ، تخارستان وغیره گسترش یافته بود.

[Лунина, Усманова 1990: 65 – 67].

کتیبه های سغدی که از معبد بودائی دون هوان Dunhuang واقع ترکستان شرقی بدست آمده است، حکایت از ان داردکه که سغدی هاحتی در قرن چهارم قبل از میلاد از مذهب بودائی و ائین مانی(مانیزم) پیروی مینمودند.

در کتیبه های سغدی قرون VIII – III درخصوص نامهای مسیر تبت فقط یک اسم یعنی ladaka لداکه که به معنی " غلام بودا" ترجمه شده است بچشم میخورد. گفته میشود که اسم مذکور رموز (ردیابی) اسم هندی بودهاداسه Buddhadasa بوده است.

[Benveniste 1946; Henning: 601; Lapierre 1998: 4]. [Симс- Вильямс 1995: 61 – 67].

بنابه تاکید منابع چینی(قرن هفتم) باشندگان شهر کنه(کانه) یعنی سمرقند ازبودا پرستش بعمل آورده به آسمانها قربانی (خیرات) مینمودند. در اواخر قرن هفتم زائر بودائی به اسم سنگها وارمه Sangha Karma باشندده شهر کانا از شهرت خوبی برخورداربود.سوان سزان سیاح مشهور چینی در سالهای 630 از موجودیت دوآبده خاموش(غیر فعال) در محدوده سه مو کیین Ca a-Kien (سمرقند) نگاشته است.

هكذا درمنابع سغدی متعلق به قرن هفتم و آغاز قرن هشتم از راهبان بودائی یاد آوری گردیده است که به اندازه 1.5 درهم هدایائی به آنها اعطا گردیده بود.

[Литвинский, Зеймаль 1971: 123]. [Beal 1990: 45]. [СДГМ II: 165 – 167].

گفته میشود که نمازگاه شهر سمرقند (المصلا) یعنی مسجد جامع که در قسمت غربی مجموعه افراسیاب موقعیت دارد به جای آبدۀ بودائی بهار بنا گردیده است. برمبنی بعضی از معلومات موجود، مسجد جامع قبل از مغولهای سمرقند (مسجدیکه قبل از استیلا مغولها بنا گردیده بود) نیز بجای معابد بودائی بنا یافته بود مسجدی که در قسمت غربی ارک موقعیت داشت.

[Вяткин 1926: 12, 18]. [Кандия: 150].

در سواحل دریای سنزر (ولایت جزرخ اوزبیکستان کنونی) تاسیسات مذهبی متعلق به قرون III – I قبل از میلاد افتتاح گردیده بود. در مجموعه مذکور مجسمه بزرگ برنجی بودا وجود داشت که اطراف آن توسط شیرهای در حال نشسته احاطه گردیده بود. در باره موجودیت آبدۀ بودائی در محل متذکره که در قرون پنجم و هفتم میلادی فعالیت داشت در لوحه ایکه در 15 همین سال تخریب ان تهیه گردیده بود تذکار بعمل آمده است.

[Альбаум 1955: 57 – 60; Литвинский 1975: 191 – 198]. [Lapierre 1998: 9].

لازم به یادآوریست که در کندنکاری های ارک افراسیاب تندیس برنجی (برونز) Bodhisattva بوداسف بدست آمده است که بیانگر بخش برونز قتلگاه عصر وی ها Wei در کشور چین میباشد. در آغازین سالهای قرون وسطی در میان اقشار ولایه های اهالی پنجکنت (اوزبیکستان کنونی) فورمهای منظم ( قالبهای منظم) جگری رنگ بمنظور تولید شکل بوداهای نشسته کشف شده است. هکذا جام خم مانندی که بعد از حریق کتیبه سوترا sutra درین شهر سغدی خراشیده شده بود بدست آمده است، بنا احتمال داده میشود که خم متذکره منحیث محل محافظت آثار و کتیبه های سغدی استفاده شده باشد.

به همین ترتیب تصویر بودا در نقاشی های متعلق به چهارک اول قرن هشتم پنچ کنت نیز بمشاهده رسیده است. چنانچه در یکی از گوشه های شی شماره XXV . در قسمت فوقانی چوکات دروازه فیگور بودا بشکل ابها موودرا abhyamudra گنجانیده شده بود.

[Мкртычев 2002: 180 – 181].

[Беленицкий, Маршак, Распопова 1986: 320 – 321]

[Маршак, Распопова 1988: 142 – 143].

زمانیکه قطیبه ابن مسلم به فتح بایکند دست یازید، در یکی از معابد آنجا بت برنجی دریافت که در آن هنگام بمبلغ 4000 درهم قیمت گذاری گردید. هکذا در قرن دهم میلادی در جای مسجد ماخ شهر بخارا سالیانه دوبار بازار خرید و فروش بت ها راه اندازی میگردد. (76) هکذا در اسناد وقفی دودمان اسماعیل سامانی از کانالی بنام جوی بت که در حوالی بخارا جریان داشت یاد آوری شده است. هکذا در قریه سریع تپه و ناحیه یککه باغ ولایت قشقه در یا تخته گلی و یک تخته کاشی سرخ جگری رنگ حاوی تصاویر بودا بدست آمده است.

[Frye 1954: 45; Наршахий: 45]. [Frye 1954: 21; Наршахий: 26]. [Чехович 1950: 261]. [Лунина 1989: 57 – 60; Лунина, Усманова 1990: 65 – 67].

خاقان ترک که اتحادیه باشندگان سغد، چاچ(تاشکند) و فرغانه را رهبری مینمود در مراجعت نامه اش عنوانی عربها نوشت که انها از بتها پرستش مینمایند. در قرن 12 در شهر نسف از موجودیت خانواده روحانی (الراهب) یادآوری شده است لازم به یادآوریست که معلومات متذکره در تحقیق و تثبیت حقایق مربوط به منشاء تباری سامانیان از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا میتوان گفت که سامان خودات قسمیکه در منابع بودائی تاکید شده است پیرومذهب زردشتی نبوده است، زیرا؛ در مراحل قبل از اسلام، هنگامیکه سامان خودات ظهور نمود مذهب بودائی عمومیت بیشتری داشت. (77)

[at-Tabarī II: 1537]. [ac-Сам‘ани VI: 59]. [Гардизи: 62], [Barthold 1945: 48].

---

## پاورقیها

73. مثلا نام ت. سامانچین (سالهای حیات 1909-1979م) فولکلوریست معروف قیرغیزی از همین کلمه مشتق گردیده است. در کشور ترکیه نیز نام های مشابه به سامانچی اوغلو وغیره به وفرت دیده میشود.

74. نام ال (ایل، ائل) احتمالا گزینه دیگری از اسم ایلنگ (ایلینگ) بوده باشد که نام یکی از اولین خاقانات ترکی بود.

[Rybatzki 2000: 207].

75. در غیر ان توضیح مسله ازدواج یک فرد بخارائی زردشتی مذهب با خانم چینائی غیر زردشتی کار ساده ای بنظر نمیرسد. در عین حال "غیر چینائی خالص" بودن "ملکه چینائی" (از مربوطات ترکستان شرقی) خارج از احتمال نیست، اما در هر حال محققین مسلمانان در برابر انها نیز اصطلاح اس- سین (الص) بکار برده اند.

76. مسلما این بت ها نبایستی مرجع عبادت بودائیها میبود، زیرا؛ در آسیای میانه بت پرستی خودیکی از ویژگی های مانوت یا Manichaeism شمرده میشود.

77. این معلومات با اطلاعات مربوط به ظهور سامان خودات بمثابه نواده بهرام چوبین هم اهنگ میگردد. جائیکه مذهب زردشتی منحیت مذهب دولتی امپراطوری ساسانی پذیرفته شده بود.

لینک های اضافی (علاوه گی) که بکمک انها میتوان در باره نامهای ذکر شده در ین باب، معلومات آفاقی بدست آورد.  
(البته اینها شامل بحث کتاب هذا نمیباشند.)

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%AD%D1%82%D0%B8%D0%BC%D0%BE%D0%BB%D0%BE%D0%B3%D0%B8%D1%8F>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Etymology>

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%DB%8C%D8%B4%D9%87%E2%80%8C%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C>

درباره ایتیمولوژی یا ریشه شناسی

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A2%D0%BE%D0%BF%D0%BE%D0%BD%D0%B8%D0%BC>

در باره توپونومی

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%AD%D1%82%D0%BD%D0%BE%D0%BD%D0%B8%D0%BC>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Ethnonym>

درباره اتونیم

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%91%D1%83%D1%80%D1%85%D0%B0%D0%BD%D0%B8%D0%B7%D0%BC>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Burkhanism>

برهانستها، برهانیزم

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9C%D0%B0%D0%B7%D0%B4%D0%B0%D0%B8%D0%B7%D0%BC>

<https://uz.wikipedia.org/wiki/Mazdaiylik>

<http://www.thefreedictionary.com/Mazdaism>

<http://people.opposingviews.com/mazdaism-islam-8810.html>

درباره مزدایزم

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9C%D0%B0%D0%BD%D0%B8%D1%85%D0%B5%D0%B9%D1%81%D1%82%D0%B2%D0%BE>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Manichaeism>

[https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%DB%8C%DB%8C%D9%86\\_%D9%85%D8%A7%D9%86%D9%88%DB%8C](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%DB%8C%DB%8C%D9%86_%D9%85%D8%A7%D9%86%D9%88%DB%8C)

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920309000368>

<http://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa27301>

<http://www.yourdshahian.com/persian/mani.asp>

[http://www.aftabir.com/articles/view/religion/religion/c7c1257059116\\_approvals\\_money\\_p1.php/%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%88-%D8%A2%DB%8C%DB%8C%D9%86-%D9%85%D8%A7%D9%86%D9%88%DB%8C%D8%AA](http://www.aftabir.com/articles/view/religion/religion/c7c1257059116_approvals_money_p1.php/%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%88-%D8%A2%DB%8C%DB%8C%D9%86-%D9%85%D8%A7%D9%86%D9%88%DB%8C%D8%AA)

درباره آئین مانی ( مانویت)

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9B%D0%B0%D0%B4%D0%B0%D0%BA%D1%85>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Ladakh>

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%84%D8%AF%D8%A7%D8%AE>

لداکه یا لداخ

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%91%D0%BE%D0%B4%D1%85%D0%B8%D1%81%D0%B0%D1%82%D1%82%D0%B2%D0%B0>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Bodhisattva>

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D9%88%D8%AF%D8%A7%D8%B3%D9%81>

<http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/981380/%D8%A2%D9%88%D9%84%D9%88-%DA%A9%DB%8C%D8%AA%D8%B4%D9%88%D8%B1%D9%87--%D8%A8%D9%88%D8%AF%D8%A7%D8%B3%D9%81-%D9%81%D8%B1%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D9%86%DA%AF%DB%8C-%D9%88-%D8%BA%D9%85-%D8%AE%D9%88%D8%A7%D8%B1%DA%AF%DB%8C>

<http://rezainegad.blogfa.com/post/157/%D8%AF%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D9%88%D8%AF%D8%A7%D8%B3%D9%81-%D9%88-%D8%A8%D9%84%D9%88%D9%87%D8%B1-%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%AF%D9%88%D9%85>

<http://www.cgie.org.ir/fa/publication/entryview/7994>

<http://www.ensani.ir/fa/content/323817/default.aspx>

درباره بوداسف

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%92%D1%8D%D0%B9>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Wei>

<https://sv.wikipedia.org/wiki/Wei>

درباره عصر وی در چین

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D9%88%D8%AA%D8%B1%D8%A7>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Sutra>

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A1%D1%83%D1%82%D1%80%D0%B0>

<http://youga.ir/tag/%D8%AF%D8%A7%D9%86%D9%84%D9%88%D8%AF+%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8+%DB%8C%D9%88%DA%AF%D8%A7+%D8%B3%D9%88%D8%AA%D8%B1%D8%A7>

<http://www.onlyfun.blogfa.com/post-77.aspx>

<https://www.tableaumag.com/2806>

در باره سوترا